

قانون‌گرایی حاکمان در نهج البلاغه

* محمد اسحاق مسعودی

** ابراهیم کلاتری

چکیده

بسیاری از کشورهای پیشرفته، مدعی قانون‌گرایی و حاکمیت قانون بوده، رسانه‌های تبلیغاتی آنان نیز، با روش‌های گوناگون به تلقین و تبلیغ این ادعا پرداخته‌اند. اگرچه، شناخت و تعیین قوانینی که دارای قابلیت اداره و هدایت جامعه بشری به سعادت و رفاه باشند، موضوعی مهم درخور بررسی‌ای است، نیاز انسان‌ها در حیات اجتماعی به قانون جاذبه و زیبایی خاصی به واژه قانون‌گرایی بخشیده است. این مقاله پس از بررسی چستی قانون، به بیان قوانین معتبر و لازم‌الاتباع از نظر امام علی علیه السلام پرداخته است. به نظر آن حضرت، احکام کلی عقلی، قوانین الهی برگرفته از کتاب و سنت معصومان علیهم السلام و سنت‌های خوب گذشتگان می‌تواند به منزله قانون مطرح شود. حاکمان در صورتی قانون‌گرا خواهند بود که با تمام توان در راستای حاکمیت‌بخشیدن به قانون و اصلاح جامعه در پرتو آن بکوشند و در راه تحقق عدالت همه‌جانبه همت نمایند.

واژگان کلیدی

قانون، قانون‌گرایی، حاکمان، سنت، کتاب

msm1337@yahoo.com

dr.ekalantari@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۲۷

*. دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه الزهراء علیها السلام.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۵

مقدمه

پیش از پرداختن به موضوع «قانون‌گرایی حاکمان» از نگاه امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه، ضروری است به «چیستی قانون» از نگاه آن حضرت توجه شود؛ زیرا فهم موضوع، نخست بر درک چیستی قانون وابسته است.

واژه «قانون» در نهج‌البلاغه و نیز، در سایر منابع حدیثی به کار نرفته است واژه «قانون» در کتب لغت، به راه رسیدن به چیزی و مقیاس و معیار آن تعریف شده است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۶: ۱۳ / ۳۴۹) برخی «قوانین» را به معنای اصول دانسته‌اند. (طریحی، ۱۳۷۸: ۶ / ۳۰۱) فهم متعارف و معنای متبادر به اذهان، با معنای لغوی آن نزدیک بوده، عبارت است از اصول، ضوابط و شاخص‌هایی که برای تنظیم رفتار فردی و اجتماعی تدوین شده است. این اصول و شاخص‌های رفتاری در نهج‌البلاغه عبارت‌اند از:

الف) عقل

از نگاه امام علی علیه السلام خرد انسان در نشان دادن راه کمال از راه ضلال راهنمای اوست؛ و عقل آزاد از هوی و هوس، می‌تواند خطوط کلی حیات بشری را شناسایی، و معرفی کند. امام علیه السلام در این باره فرمود:

کفاک من عقلک ما اوضح لک سبل غیک من رشدک. (سیدرضی، بی‌تا: ح ۴۲۱)
همین اندازه در عقل و خرد تو بس که راه‌های گمراهی را از راه‌های رشد و کمال برای تو روشن می‌سازد.

بنابراین، ارشاد عقل به‌مثابه قانون برای انسان بشمار می‌رود که اگر براساس آن عمل شود، انسان به مقصد تعیین‌شده الهی در خلقت و مقصود تبیین‌شده حیات انسانی خواهد رسید.

ب) قرآن

قرآن مجموعه آیاتی است که از سوی پروردگار متعال بر پیامبر صلی الله علیه و آله وحی شده است. این

کتاب افزون بر پرداختن به «هست‌ها»، از «بایدها و نبایدهایی» سخن گفته است که در مجموع می‌توان از آنها به‌عنوان «قوانین» زندگی یاد کرد؛ از این‌رو، شناخت و عمل به قرآن، در راهنمایی انسان و یافتن حیات ابدی و رستگاری جاودانی او حائز اهمیت است. بدیهی است با این نگاه، بخش عظیمی از نهج‌البلاغه درباره توصیف عظمت قرآن یا توصیه به معرفت و عمل به آن است، مانند:

۱. ان القرآن ظاهر انیق و باطنه عمیق ... لا تُكشِف الظلماتُ اَلاَّ به. (همان: خ ۱۸)
یقیناً ظاهر [و عبارات] قرآن زیبا و باطن آن ژرف است ... تاریکی‌ها (که در زندگی بشر حاکم است) جز با قرآن برطرف نخواهد شد.
۲. واعلموا أنَّ هذا القرآن هو الناصح الذي لا يُعُشِّ والهادی الذي لا یضِلُّ. (همان: خ ۱۷۶)

بدانید که این قرآن نصیحت‌کننده‌ای است که فریب نمی‌دهد [و برای وصول به سعادت حقیقی، شما را نصیحت می‌کند] و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد. بنابراین، قرآن مهم‌ترین و اصلی‌ترین کتاب زندگی بشر و محوری‌ترین قانونی است که عمل به آن سعادت و رستگاری، و پشت کردن به آن شقاوت و سیاه‌بختی در پی دارد.

ج) سنت

در نگاه شیعه، منظور از سنت، قول، فعل [رفتار] و تقریر (تأیید) پیامبر ﷺ و اهل‌بیت ﷺ است که از نگاه امام علی علیه السلام خود، به‌عنوان قانون و یک مرجع اساسی شناخته می‌شود:

واقتدوا بهدي نبيكم فانه افضل الهدى و استنوا بسنته فانها هدى السنن. (همان: خ ۱۱۰)
راه و رسم (و هدایت) پیامبرتان را الگو قرار دهید که بهترین هدایتگر است و سنت (و سیره) او را راه و روش زندگی خود قرار دهید که بهترین سنت‌هاست.

نکته مهم

آنچه نهج‌البلاغه به‌روشنی به آن پرداخته است، جدایی‌ناپذیری قرآن و سنت پیامبر ﷺ و

اهل بیت علیهم السلام است. مسلمان کامل نمی‌تواند یکی را بدون دیگری بپذیرد. هیچ‌یک جایگزین دیگری نمی‌شود و هیچ‌چیز دیگری نیز جایگزین هیچ‌کدام از این دو نیست؛ از این رو، علما و فقهای اسلام نیز، قرآن و سنت را مهم‌ترین رکن رفیع استنباط احکام و قوانین اسلامی دانسته‌اند. امام علی علیه السلام نیز، در جای‌جای نهج‌البلاغه این دو را در کنار و همدوش یکدیگر آورده‌اند. (همان: خ ۹۱ و ۱۲۵)

حدیث معروف ثقلین که منقول از فریقین است نیز، دلالت روشنی بر همین معناست.

قانون از دیدگاه امام خمینی ره

امام خمینی ره همواره با تأکید بر این نکته، هدف انقلاب را برقراری احکام اسلامی، و به تعبیری، قوانین الهی دانسته‌اند. ایشان قوانین جاری و ساخته و پرداخته بشر را تا جایی می‌پذیرند که مخالف قرآن و سنت نباشد. در ادامه به دو نمونه از بیانات ایشان اکتفا می‌شود: امام خمینی ره در آذرماه سال ۱۳۴۳ در مخالفت با برگزاری انتخاباتی برخلاف مبانی اسلامی فرمودند:

ما از طریق «الزموم بما الزموا علیه انفسهم» با ایشان بحث می‌کنیم، نه اینکه قانون اساسی در نظر ما تمام باشد، بلکه اگر علما از طریق قانون صحبت کنند، برای این است که اصل دوم متمم قانون اساسی، قانون خلاف قرآن را از قانونیت انداخته است «و الا ما لنا والقانون» ماییم و قانون اسلام، علمای اسلام‌اند و قرآن کریم، علمای اسلام‌اند و احادیث نبوی، علمای اسلام‌اند و احادیث ائمه اسلام، هرچه موافق دین و قوانین اسلام باشد، ما با کمال تواضع گردن می‌نهمیم و هرچه مخالف دین و قرآن باشد و لو قانون اساسی باشد، و لو الزامات بین‌المللی باشد، ما با آن مخالفیم. (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱/۱۱۶)

از صدر عالم تاکنون، تمام انبیا برای برقرارکردن قانون آمده‌اند و اسلام برای برقراری قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام، تمام، برای قانون خاضع بوده‌اند و تسلیم قانون بوده‌اند، ما هم باید تبعیت از پیغمبر اسلام بکنیم و از ائمه هدی بکنیم و به قانون هم عمل کنیم و هم خاضع باشیم در مقابل قانون، قانون برای همه است. (همان: ۱۴/۴۱۶)

د) سنت‌های خوب گذشتگان

یکی دیگر از اموری که در نهج‌البلاغه به‌عنوان شاخص عمل تعیین شده است، سنت‌های حسنه و نیکویی است که از گذشتگان به جا مانده است.

و لا تتقضنَّ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عمل بها صدور هذه الأمة و اجتمعت بها الألفة و صلحت علیها الرعية. (سیدرضی، بی‌تا: ن ۵۳)

هرگز سنت پسندیده‌ای که مورد عمل (و توجه) پیشینیان این مردم بوده و مردم با آن انس و الفت یافته‌اند و سبب صلاح (و اصلاح امور) مردم می‌گردد را نقض نکن.

قانون‌گرایی

با توجه به مطالب پیش‌گفته، از نظر امام علی علیه السلام قانون عبارت است از: اصول کلی‌ای که عقل انسان در تبیین راه درست از نادرست ارائه می‌دهد، و باید‌ها و نباید‌هایی که در قرآن و سنت معصومان علیهم السلام بیان شده، و سنت‌های حسنه‌ای که از گذشتگان به یادگار مانده است؛ اگرچه محور و مرجع اصلی در این میان، درخصوص تنظیم رفتارهای انسانی، همان قرآن و سنت معصومان علیهم السلام است. قانون‌گرایی یعنی، التزام قلبی و عملی به شاخص‌های یادشده. مفهوم و معنای قانون‌گرایی حاکمان نیز، عبارت است از: پایبندی و تلاش در راستای تحقق شاخص‌های ذیل:

۱. حاکمیت بخشیدن به قانون

کارگزار قانون‌گرا کسی است که در راه حاکمیت بخشیدن به دین (و قانون) می‌کوشد. قوانین الهی خطوط راهبردی^۱ نظام حاکم قانون‌گرا را تشکیل می‌دهد، یعنی قانون الهی در رأس امور قرار گرفته، به شاخص‌هایی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تبدیل شده است؛ و این، همان حقیقتی است که سعادت انسان را رقم می‌زند.

۱. کلمه راهبرد، معادل واژه استراتژی (strategy) به‌کار می‌رود و تعاریف متعددی از آن شده است. اصول کلی‌ای که فرد، جامعه یا سازمان را به اهداف مورد نظرش می‌رساند. (برای اطلاع بیشتر بنگرید به: نشریه الکترونیکی نورپرتال)

برخی در زمان خلفا از امام علی علیه السلام می پرسند: چرا از حق خود دفاع نکردی و شمشیر به دست نگرفتی؟

حضرت در پاسخ فرمود، پیامبر صلی الله علیه و آله به من چنین وصیت کرده است که:

ان وجدت اعوانا فانيد اليهم وجاهدهم و ان لم تجد اعوانا فكف يدك و احقن دمك حتى تجد على اقامة الدين و كتاب الله و سنتي اعواناً. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۷۵)

اگر کسانی را یافتی که به یاری تو بشتابند، برای گرفتن حق خود با آنان (غاصبان خلافت) مبارزه کن، اما اگر یار و یآوری نداشته‌ی، از مطالبه حق خویش دست بردار و خون خود را حفظ کن تا زمانی که یارانی پیدا کنی که تو را در اقامه دین و کتاب خدا و سنت من یاری رسانند.

براساس این وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله هدف از حکومت و قدرت در نظام اسلامی، اقامه دین و قوانین الهی و سنت اوست؛ و حاکمان و کارگزاران باید در مسیر تحقق آن تلاش نمایند. از این رو، امام علی علیه السلام پس از دستیابی به خلافت نه تنها همین امر را وجهه همت خویش قرار داد، بلکه به مالک اشتر، کارگزار خویش در مصر، چنین فرمود:

أمره بتقوى الله و ايثار طاعته و اتّباع ما أمر به في كتابه من فرائضه و سننه التي لا يسعد احدٌ الا بتّباعها و لا يشقى الا مع جُودها و اضاعتها. (سیدرضی، بی تا: ن ۵۳)

تو را به تقوای الهی سفارش کرده و اینکه طاعت پروردگار را بر چیزهای دیگر برگزینی و مقدم داری و فرامین خداوندی در قرآن را - از واجبات و سنت‌ها - پیروی کنی. فرامین (و قوانینی) که هیچ کس به سعادت و رستگاری نمی رسد، مگر با پیروی آنها و هیچ کس بدبخت و شقی نمی شود، مگر با انکار یا ضایع ساختن آن.

بنابراین، نتیجه حاکمیت قوانین الهی، رستگاری جامعه اسلامی خواهد بود.

۲. اصلاح جامعه در پرتو قانون

حاکم قانون گرا اهتمام ویژه‌ای به اصلاح همه جانبه جامعه در پرتو قوانین الهی و براساس

همان شاخص‌ها دارد. کارگزاران نظام اسلامی به‌مثابه مُصلح جامعه، مسئول بوده، همه توان و همت خویش را باید صرف اصلاح خود و دیگران، و به ثمر نشانیدن قوانین الهی نمایند. آهنگ کار و نعمه همه پیامبران الهی، این بود که:

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ. (هود / ۸۸)

تا آنجا که قدرت و توان دارم، جز اصلاح (شما مردم)، چیزی نخواهم (و هدفی دیگر جز آن ندارم و در این راه کوتاه نیایم).

آری اهتمام و تلاش برای ساختن جامعه‌ای سالم، و زدودن نشانه‌های بیماری از چهره جامعه (نشانه‌هایی چون؛ فقر، فساد و تبعیض)، خود، نشانه ایمان و تقوا، و نخستین و اساسی‌ترین شرط تحقق قوانین خداوند است؛ از این رو، پیامبر عزیز اسلام ﷺ فرموده است:

مَنْ أَصِيحَّ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۱۶۳)

آن کس که روز بگذرد و نسبت به امور مسلمانان (در هر بخشی) اهتمام نرزد، به مسلمانی نیرزد (و روا نیست که نام مسلمان بر خود نهد).

امام علی علیه السلام در تبیین علت پذیرفتن حکومت به مردم فرموده است:

اللهم انك تعلم، انه لم يكن الذي كان متا، منافسة في سلطان و لا التماس شئ من فضول الحطام و لكن ليرد المعالم من دينك و تُظهر الاصلاح في بلادك، فيأمن المظلومون من عبادك و تقام المعطلّة من حدودك؛ (سیدرضی، بی تا: خ ۱۳۱)

پروردگارا! تو، خود، آگاهی، آنچه از سوی ما (در پذیرفتن حکومت ظاهری) انجام شد، نه برای به‌دست‌آوردن چیزی از متاع پست دنیا، بلکه مقصود (و هدف) این بود که نشانه‌های (رنگ‌باخته دین تو) را بازگردانیم. (و ارزش‌ها را حاکم سازیم) و اصلاح (در امور مردم) را در شهرهای آشکار و علنی سازیم، تا (در نتیجه و به‌دنبال آن) بندگان ستم‌دیده‌ات (که همواره تحت تعقیب ستمگران بودند)، در امنیت قرار گیرند و حدود (و احکام اجتماعی) که منزوی (و کنار زده) شده بود، به اجرا درآید.

بنابراین، امام علی علیه السلام هدف از پذیرش حکومت را اجرای برنامه اصلاحات اسلام ناب و تحقق دین در همه زمینه‌ها، معرفی می‌نماید؛ برنامه‌ای که نتیجه آن در پرتو تحقق قوانین

اسلامی، ایجاد امنیت و آرامش برای کسانی است که در راه حاکمیت اسلام و ارزش‌ها تلاش نموده‌اند، یا ستم‌دگانی که همواره یوغ ستم را بر دست و پا و گردن خود تحمل کرده، و هیچ‌گاه نسبت به جان و مال و حیثیت خود در امان نبوده‌اند.

۳. عدالت‌خواهی

شاخص دیگر قانون‌گرایی حاکمان، تحقق عدالت در همه عرصه‌های حیات اجتماعی است.

اصولاً قانون خداوند این است که: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ». (نحل / ۹۰)

امام خمینی ره فرموده‌اند:

قوانین اسلام اگر عمل شود، حاصل آن عدالت اجتماعی است بدون اینکه مفاسد سایر سیستم‌ها را داشته باشد. (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۵ / ۷۱۸)

امام ره همواره بر تحقق و اجرای عدالت تأکید و توصیه کرده، خود، در این زمینه پیشگام است.

امام علی ره در دوران خلافت خود (۴۰ - ۳۵ ق) در اصلاح مسیر انحرافی کوشید؛ بازگشت به عدالت اجتماعی، بازگرداندن ثروت‌های غارت‌شده مسلمانان به بیت‌المال، حذف همه افراد نالایق از پست‌ها و مقام‌ها، رفع تبعیض‌ها، اجرای حدود و احکام اسلام و ... همه، در جهت اصلاح و تحقق عدالت اسلامی بود. امام ره پیش از به‌دست آوردن قدرت، در زمان عثمان فرموده بود:

به خدا سوگند! اگر زنده ماندم، همچون محتویات شکم یک حیوان که قصاب آنها را به دور می‌ریزد، آنها را از صحنه حکومت اسلامی بیرون خواهم ریخت. (سیدرضی، بی‌تا: خ ۹۲)

امام ره در توصیف روش و منش خود در حکومت می‌فرماید:

و البستکم العافیه من عدلی و فرشتکم المعروف من قولي و فعلی. (همان: خ ۸۷)
(ای مردم) از عدل خود، جامه عافیت را بر شما پوشاندم و خوبی‌ها (و ارزش‌ها) را با سخن و عمل خویش برای شما گستردم.

آن حضرت، حتی آنجا که می‌بیند مردی نصرانی از روی درماندگی گدایی می‌کند، کاشم تلخ می‌شود و این امر را برای جامعه اسلامی ناروا می‌شمارد و دستور می‌دهد، مقررری از بیت‌المال به او پرداخت شود:

اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّىٰ إِذَا كَبَرَ وَ عَجَزَ مَعْتُمُوهُ، أَتَيْقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱ / ۴۹۹)

تا زمانی که جوان بود (و توان و انرژی داشت) او را به کار گرفتید، حال که پیر و ناتوان گشته، او را رها ساخته‌اید؟! بروید و از بیت‌المال هزینه زندگی‌اش را تأمین کنید.

از این رو، امام برقراری عدالت را مهم‌ترین چشم‌روشنی کارگزار برشمرده است:

افضل قره عين الولاية، استقامة العدل في البلاد. (سیدرضی، بی تا: ن ۲۷ و ۵۳)
بهترین و بالاترین چیزی که موجب روشنایی چشم (و خوشحالی) زمامداران می‌شود، برقراری عدالت در همه بلاد (و سراسر کشور تحت حاکمیت او) می‌باشد.

جرج جرداق (نویسنده مسیحی) در تبیین تلاش امام علی علیه السلام برای تحقق عدالت می‌نویسد:

چون علی به خلافت رسید، تصمیم گرفت که عدالت را در میان آنها اجرا کند، گروهی را از مقام خود عزل کرد، و عده‌ای را از قدرت دور ساخت، و با هرکسی که در خیال داشت، رسالت اسلام را از مجاری طبیعی و عادلانه خود منحرف ساخته و آن را به حکومت موروثی در خاندان خود تبدیل کند و مال و مقام و قدرت را ویژه خاندان خود سازد، به شدت جنگید و چه بسیار این گفته را به گوش آنان رسانید: «من می‌دانم که چه چیز شما را اصلاح می‌کند. اما من با انجام خواسته‌های شما خود را تباه نخواهم کرد». (جرداق، ۱۳۴۴: ۱ / ۱۱۹)

۴. آگاهی بخشی به مردم

آگاه ساختن مردم نسبت به قوانین، نقش مهمی در اجرای بهتر قوانین الهی دارد. مردم آگاه از قوانین با مردم ناآگاه از آن، تفاوت فراوان دارند. در صورت آگاه شدن و پذیرفتن، زمینه برای اجرای قانون بسیار روان تر و کم‌هزینه تر خواهد بود. افزون بر اینکه در صورت آگاهی، بسیاری

از مردم مسلمان خود، به‌عنوان مدافع و پاسدار قانون، یکدیگر را به رعایت قوانین توصیه و سفارش خواهند نمود.

امام علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود:

وَأَنْ أَبْتَدِئَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حِلَالِهِ وَ حَرَامِهِ لَا أُجَاوِزُ ذَلِكَ بَكَ أَلِي غَيْرِهِ. (سیدرضی، بی تا: ن ۳۱)

نخست، تربیت تو را با تعلیم قرآن و بیان تأویل و قوانین اسلام و تبیین احکام آن - از حلال و حرامش - آغاز کردم و چیز دیگری - غیر از آن را - به تو نیاموختم.

اهمیت مصون‌سازی نسل جوان در این جمله کوتاه روشن می‌شود، اگر تربیت یک فرزند و آشنا کردن او با قوانین الهی این اندازه مهم است که حتی چیز دیگری در کنار آن قرار نگیرد، آگاه‌سازی و تربیت یک جامعه به‌طریق اولی، اهمیت بیشتری دارد. این آگاهی و تربیت، براساس این تعلیم، ایجاد مصونیت می‌کند و چنین فردی خود را ملتزم به رعایت شاخص‌ها و قوانین الهی خواهد دانست.

۵. برخورد با فتنه‌گران

از آنجا که حاکم قانون‌گرا، مسئول تحقق قوانین الهی است، و باید در پی تحقق امنیت همه‌جانبه اجتماعی (امنیت فکری و اعتقادی، امنیت در شغل، امنیت در اخلاق اجتماعی، امنیت ملی و ...) باشد، شناخت عوامل فتنه و برخورد با فتنه‌گران در چارچوب همان قوانین الهی ضروری است.

امام علی علیه السلام با اشاره به این نکته فرموده‌اند:

أَمَّا بَدْءُ وَقْعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَ أَحْكَامُ تَبْتَدِعُ يَخَالِفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا. (همان: خ ۵۰)

آغاز پیدایش فتنه‌ها، پیروی از هوس‌ها و قوانین جعلی است که مخالف کتاب خدا (و قوانین الهی) بوده و جمعی به حمایت از آن برمی‌خیزند.

از این رو، آن حضرت در طول دوره حکومت خود با فتنه‌گران درگیر بود و همواره به موازات مبارزه با آنان در افزایش بصیرت مردم نیز، تلاش می‌کرد و از فتنه‌گران به‌عنوان دشمنان قانون (قرآن و سنت) نام می‌برد. ایشان درباره اهل شام می‌فرمود: «سیروا الی اعداء السنن والقرآن». (شوشتری، بی‌تا: ۵ / ۳۷۷)

نکته مهم این بود که آن حضرت تا زمانی که به‌طور جدی از سوی مخالفان قوانین الهی احساس خطر نمی‌کرد، به آنان کاری نداشت و آنها نیز، آزادانه سخن خود را نزد حضرت ابراز می‌داشتند، اما هنگامی که آنان به فکر براندازی و مبارزه با نظام مشروع و قانونی برآمدند، حضرت نیز، به جهاد با آنان پرداخت.

در اینجا به بیان گفتاری از امام علی علیه السلام می‌پردازیم که درباره تمام گروه‌های یادشده، راهگشاست:

ان الله بعث رسولاً هادياً بكتاب ناطق و أمر قائم لا يهلك عنه الا هالك و ان المتدعات المشبهات هن المهلكات الا ما حفظ الله منها و ان في سلطان الله عصمة لا مركم، فأعطوه طاعتكم غير ملومة ولا مستكره بها والله لتفعلن أو لينقلن الله عنكم سلطان الاسلام ثم لا ينقله اليكم ابدًا، حتى يارز الامر الی غيركم ان هؤلاء قد تاملوا على سخطة امارتي و سأصبر ما لم أخف على جماعتكم: فائهم ان تمموا على فيالة هذا الرأي انقطع نظام المسلمين و انما طلبوا هذه الدنيا حسداً لمن أفاءها الله عليه، فأرادوا رد الامور على أدبارها، و لكم علينا العمل بكتاب الله تعالى و سيرة رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و القيام بحقه و التمسح لسنته. (سیدرضی، بی‌تا: خ ۱۶۹)

همانا خداوند پیامبری هدایتگر، با کتابی گویا و دینی استوار برانگیخت که جز گمراهان کسی از آن منحرف و هلاک نمی‌گردد. قطعاً بدعت‌هایی که شبیه حق گشته (و به رنگ آن در آمده است، همراه کننده و) هلاکت کننده‌اند، مگر اینکه خداوند (انسان را) از آنها حفظ کند، یقیناً در حکومت خداوند، شئون و امور شما محفوظ و مصون می‌ماند؛ بنابراین، فرمانبری و پیروی از این حکومت را پیش نهید (از سر شوق و اشتیاق) نه از روی نفاق و ملامت دیگران و نه از سر اجبار و نارضایتی. به خدا سوگند باید چنین کنید (و از سر اخلاص پیروی کنید) و گر نه حتماً خداوند دولت اسلام را از میان شما خواهد برد و پس از آن

هرگز به شما باز نخواهد گردانید تا آنکه کار به دست غیر شما افتد. اینان (پیمان شکنان فتنه انگیز) به خاطر نارضایتی از حکومت من به یکدیگر پیوسته‌اند و تا زمانی که بر اجتماع شما (از ناحیه آنان) خوفناک نگردم، صبر خواهم نمود، چه اینکه اگر آنان این اندیشه شوم و فاسد خود را بخواهند به انجام برسانند (و تحقق بخشند)، نظام جامعه اسلامی از هم گسسته خواهد شد، آنها به خاطر حسادت بر کسی که خداوند حکومت را به او بخشیده، طالب دنیا گردیده‌اند، آنها می‌خواهند اوضاع جامعه را به گذشته برگردانند، حق شما (مردم) بر ما این است که ما به کتاب خداوند و سیره رسول الله ﷺ عمل کنیم، حق او را به جا آوریم و سنت او را به پا داریم.

یافته‌های علمی

- راه نجات و سعادت، پیروی از پیامبر ﷺ و قرآن و دستورهای دین (قوانین الهی) است.
- کسانی که دین را از صحنه زندگی کنار بگذارند، سعادت و نجات خود را کنار گذاشته‌اند، آنها گمراه و هلاک خواهند شد.
- فتنه انگیزان با تولید بدعت‌ها (و مطالبی که از دین نیست و آن را به نام دین تمام می‌کنند)، سعی در نفوذ و تخریب جامعه اسلامی دارند.
- بدعت‌ها برای فضای فکری جامعه خطرناک است، باید به آنها به روشنی پاسخ داد.
- حکومت الهی حافظ شئون و منافع مردم است.
- اطاعت از حکومت اسلامی باید از سر اشتیاق باشد، نه ترس و نفاق.
- اگر مردم از دولت اسلامی پیروی نکنند و به حمایت از آن برخیزند، کفران نعمت الهی کرده‌اند، در نتیجه خداوند این نعمت را از آنان سلب خواهد کرد.
- ناراضیان از حکومت اسلامی علوی، از گوشه و کنار، در یک نقطه جمع شده و هسته مقاومت تشکیل می‌دهند.
- تا هنگامی که این ناراضیان دست به توطئه علیه جامعه اسلامی نزنند، حکومت برخوردی با آنان نمی‌کند.
- اگر از توطئه ناراضیان و دشمنان پیشگیری نشود، نظام اسلامی را دچار مشکل ساخته، در

نهایت مختل خواهند کرد.

- ریشه حسادت تقابل علیه نظام اسلامی ازسوی برخی افراد و جریانات است. ازاین‌رو، حاضران آخرت خود را به باد دهند تا به قدرت و موقعیتی در دنیا برسند.

- جریانات ضد حکومت اسلامی، خواهان بازگشت اوضاع به قبل از تشکیل حکومت اسلامی‌اند؛ (یعنی، خواستار حاکمیت اصول و ارزش‌های جاهلی، قومی و قبیله‌ای‌اند).

- وظیفه حاکمان اسلامی، اقامه و احیای حاکمیت دین خدا و سنت پیامبر اسلام ﷺ، یعنی تحقق عینی قوانین الهی است.

فتنه‌گران، از عناصر و جریانات مختلف و متنوعی تشکیل شده‌اند که عبارت‌اند از:

یک. عناصر ضد انقلاب

افراد و گروه‌هایی پیش از انقلاب یا پس از آن وجود داشتند که نه تنها با انقلاب اسلامی همراه و همدل نبودند، بلکه همواره با کارشکنی‌ها و مخالفت‌ها، با دشمنان هم‌زبان و همراه شده، ازسوی مردم، مطرود، منزوی یا فراری شدند.

در صدر اسلام نیز، چنین افرادی وجود داشتند که از چهره‌های شاخص آن می‌توان به ابوسفیان، معاویه و مانند آنان اشاره کرد. امام علی علیه السلام درباره اینان فرموده است:

ما أسلموا و لكن استسلموا و أسروا الكفر فلما وجدوا اعوانا عليه أظهروه.
(سیدرضی، بی تا: ن ۱۶)

آنها اسلام نیاوردند اما به ظاهر تسلیم شدند و کفر خود را پنهان کردند، و آنگاه که یاورانی یافتند، آن را آشکار ساختند.

دو. ناراضیان

برخی از افراد یا جریانات موجود، که گاه با ادعاهایی چون، اصلاحات، تغییر و ... به جاروجنجال می‌پردازند، کسانی هستند که با وجود حضور در انقلاب و فراز و نشیب‌های آن و تحمل برخی خدمات و زحمات، به دلیل عملکرد نادرست، یا زیاده‌خواهی‌ها و انحصارطلبی‌ها، ازسوی مردم و امام علیه السلام و رهبری معظم انقلاب، مطرود و منزوی شدند.

در خلافت امام علی علیه السلام می توان از چهره‌های برجسته‌ای چون طلحه و زبیر نام برد که در پی امتیاز ویژه بودند اما امام علی علیه السلام به این درخواست‌ها پاسخ منفی داد. از این رو، آنان در جبهه مقابل قرار گرفته و جنگ جمل را به راه انداختند:

ان هؤلاء قد تمالؤا علی سخطه امارتی ... (همان: خ ۱۶۹)
اینان به جهت نارضایتی از حکومت من به یکدیگر پیوسته‌اند ...

سه. فرصت طلبان

فرصت طلب‌ها افرادی گرفتار آمده در بند قدرت، ثروت، شکم و شهوت‌اند. اینان شامه‌ای قوی داشته، در فراز و نشیب‌ها و موقعیت‌هایی که پیش می‌آید، با بررسی، شناخت و همسو شدن با جریاناتی که ممکن است به قدرت برسند، در تقسیم منافع سهیم می‌شوند. یکی از مشکلات اصلی در نظام مدیریتی ما وجود این افراد است.

امام علی علیه السلام با استناد به آیه «وَمَا كُنْتُمْ تُخِذُوا الْمُضِلِّينَ عَضُدًا» (کهف / ۵۱) از پذیرش افراد قدرت طلب و فرصت جو به‌عنوان همکار و کارگزار پرهیز می‌کردند (ابن‌قتیبه دینوری، بی تا: ۱ / ۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۲ / ۳۴) و به دیگران نیز، در این باره هشدار می‌دادند. (سیدرضی، بی تا: ن ۵۳)

چهار. کزاندیشان

برخی از جریاناتی که در ایجاد فتنه نقش دارند، کسانی هستند که از نظر فکری دچار انحراف و اعوجاج شده‌اند و در یک نگاه کلی می‌توان آنان را به دو گروه متحجر و روشن‌فکرنا تقسیم کرد: الف) متحجرین: افراد یا گروه‌هایی هستند که با تمسک به متون دینی، اصل انقلاب و نظام را زیر سؤال برده، تحقق و پیگیری آن در زمان غیبت را نامشروع و نادرست می‌دانند؛ و گاه، با چشم‌پوشی از خدمات فراوان و کارنامه درخشان نظام، به تمسخر آن و رهبران و مردم پرداخته، به داشتن اندیشه متحجرانه معروف‌اند. اینان با بهره‌گیری از عناوین دینی درصدد جذب و جلب جوانان دین‌مدارانند.

در حکومت امام علی علیه السلام چنین افرادی به نام خوارج شهرت یافتند و جنگ نهروان را به

راه انداختند. (بنگرید به: همان: خ ۳۶، ۴۰، ۵۸ تا ۶۱ و ۱۲۷)

ب) روشن‌فکرانها: برخی با عنوان روشن‌فکر و ادعاهای فراوانی که دارند، در مطبوعات و رسانه‌ها و مجامع فرهنگی و سیاسی حضور فعال داشته، صریحاً سکولاریسم و نظام لائیک را تبلیغ می‌کنند.

نهج‌البلاغه از این اشخاص به نام عالم‌نمایان سخن گفته است؛ اینان کسانی هستند که خود در جهل و تاریکی اند اما مدعی روشنگری بوده، با پیروی از هوا و هوس خود، مطالب گمراه‌کننده‌ای ارائه می‌دهند. (همان: خ ۸۷)

حکومت اسلامی باید نسبت به همه اینها حساس و هوشیار باشند.

دیو در شیشه کند افسون او فتنه‌ها ساکن کند قانون او

نتیجه

از آنچه گذشت، پی بردیم که از نگاه امام علی علیه السلام امور ذیل، قانون یا در حکم قانون‌اند:

۱. قوانین و احکام عقل؛
 ۲. معارف قرآنی در حوزه اعتقادی، فروع دین، اخلاق و اجتماع؛
 ۳. سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام؛ که شامل کلام، رفتار یا تأیید (و تقریر کار دیگران) است؛
 ۴. سنت‌های خوب ماندگار در جامعه؛ این سنت‌ها در هویت‌بخشی به جامعه و اقوام مؤثر بوده، تا هنگامی که با دو منبع اساسی قانون (قرآن و سنت) مخالف نباشند، معتبراند.
- براساس مبانی یادشده قانون، قانون‌گرایی حاکمان از نگاه نهج‌البلاغه معنا و مفهوم می‌یابد. قانون‌گرایی حاکمان یعنی پیروی از آن منابع در مبانی سیاست‌ها و برنامه‌های خود، و تنظیم و حرکت خویش در بستر آن.

تحقق و عینیت بخشیدن به مطالب یادشده لوازمی دارد که مهم‌ترین آن عبارت است از:

۱. انتخاب کارگزارانی که به قوانین الهی ایمان داشته باشند، چراکه در صورت عدم ایمان

آنان به دین و کارکردهای سعادت بخش آن در حیات فردی و اجتماعی، یا اجرایی ندانستن بخشی از آن و یا محدود کردن آن به حوزه‌های فردی به‌عنوان کارگزاران و مدیران بخش‌هایی از جامعه، یقیناً قوانین اسلامی، تحقق عینی نخواهند یافت؛

۲. تلاش نمایندگان مجلس در جهت تصویب لوایح و مقرراتی که موجب تسهیل و تثبیت حاکمیت قوانین الهی شود؛

۳. قرار دادن شاخص‌های اصلی و برجسته در قوانین الهی به‌منزله چشم‌انداز سیاست‌ها و برنامه‌های کارگزاران به‌منظور ارزیابی عملی سیاست‌ها و فعالیت‌های موجود؛

۴. نمود قانون‌گرایی فردی و اجتماعی کارگزاران در جامعه و تحکیم پایه‌های قانون‌گرایی «کونوا دعاة الناس بغير السنتمکم»؛

۵. کارشناسی توسط خبرگان به‌منظور تعیین پیش‌نیازها و بررسی چگونگی اجرا، ابزار اجرا، آثار مطلوب و

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن قتیبه دینوری، بی تا، الامامه والسیاسه، مصر، بی جا.
۳. ابن منظور، ۱۴۱۶ ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، مؤسسة التاريخ العربی.
۴. جرداق، جورج، ۱۳۴۴، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، تهران، فراهانی.
۵. حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۶. خمینی، روح‌الله (امام)، ۱۳۶۹، صحیفه نور، تهران، سروش.
۷. خویی، میرزا حبیب‌الله، ۱۳۶۴، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۸. سیدرضی، بی تا، نهج البلاغه، قم، دار الهجره.
۹. شوشتری، محمدتقی، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، تهران، مکتبه الصدر.
۱۰. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۸، مجمع البحرين، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. کیزدی، قطب‌الدین، ۱۴۱۶ ق، حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه، قم، بنیاد نهج البلاغه.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۱۴. نقوی، سید محمد تقی، بی تا، مفتاح السعادة فی شرح نهج البلاغه، تهران، کتابخانه مصطفوی.
۱۵. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البتیت.

Archive of SID

التزام الحكام بالقانون فى نهج البلاغة

* محمد اسحاق مسعودى
** ابراهيم كلانترى

الخلاصة

الكثير من البلدان المتقدمة تدعى لنفسها العمل بالقانون وسيادة القانون فيها. وما انفكت وسائل الإعلام فيها تطبل وترمز لتلقين هذا الادعاء وتكريسه فى الأذهان. ورغم أن معرفة وتعيين القوانين القابلة لإدارة وتوجيه شؤون المجتمع البشرى نحو السعادة والرفاه، موضع مهم وجدير بالبحث، الا أن حاجة بنى الإنسان فى حياتهم الاجتماعية إلى القانون، أضفت جمالية وبريقاً خاصاً علي مصطلح الالتزام بالقانون.

تهتم هذه المقالة من بعد بحثها لماهية القانون، ببيان القوانين المعتبرة والجديرة بالالتزام من وجهة نظر الإمام على عليه السلام. يرى أمير المؤمنين عليه السلام أن مما يمكن أن يُطرح كقانون هو الأحكام العقلية العامة، والقوانين الإلهية المستقاة من الكتاب وسنة المعصومين عليهم السلام، والسنن الحسنة التى سنّها الماضون. والحكام الملتزمون بالقانون هم أولئك الذين يسعون بكل طاقاتهم من أجل تطبيق القانون وإصلاح المجتمع فى ضوءه، ويشمرون عن سواعدهم فى سبيل تحقيق العدالة الشاملة.

الألفاظ المفتاحية

القانون، الإلتزام بالقانون، الحكام، السنة، الكتاب.

*. طالب دكتوراه فى القرآن والنصوص الإسلامية، فى جامعة المعارف الإسلامية.

msm1337@yahoo.com

** استاذ مساعد فى قسم المعارف الاسلامية فى جامعة الزهراء عليها السلام.

dr.ekalantari@gmail.com